**دشـمـنـان اصـلـی انـقـلاب افـغـانـسـتـان کـیـانـنـد؟**

**قرار بود این سند، که قبلاً تهیه شده بود، بخشی از متن شمارۀ بیست و چهارم دورۀ نشراتی چهارم شعلۀ جاوید را تشکیل دهد. اما ضرورت تمرکز روی مباحثات مربوط به امضای "توافق‌نامۀ صلح" میان متجاوزین و اشغال‌گران امپریالیست امریکایی و طالبان در شعلۀ جاوید ما را واداشت تا از نشر این سند در شعلۀ جاوید صرنظر نماییم و آن را به عنوان یک جزوۀ مستقل منتشر سازیم.**

**حـوت 1388**

**دشمنان اصلی انقلاب افغانستان کیانند؟**

 **جامعۀ افغانستان یک جامعۀ مستعمره، نیمه مستعمره- نیمه فیودالی است. تا زمانی‌که این خصلت جامعۀ افغانستان درک نشود، هیچ امکان ندارد مرز میان انقلاب و ضد انقلاب را درک نمود. ما زمانی قادر به درک این مسئله خواهیم شد که ماهیت ذاتی درونی اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست نشانده و طالبان را بدانیم. در غیر این‌صورت بحث‌های ما تخیلی و پا در هوا خواهد بود. عدم درک ماهیت ذاتی اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده و طالبان منجر به عدم درک تضادعمده و غیرعمده و عدم تفکیک تضاد عمده از تضاد اساسی می‌گردد.**

 **«ماهیت ذاتی درونی امپریالیست‌های اشغال‌گر، ماهیت امپریالیستی ذاتی درونی امپریالیستی این قدرت‌ها با تمام خصوصیات آن است. ماهیت ذاتی درونی رژیم دست‌نشانده، ماهیت ارتجاعی مستعمراتی- نیمه فیودالی آن است. ماهیت ذاتی درونی طالبان ماهیت ارتجاعی نیمه‌فیودالی- نیمه‌مستعمراتی آن است.**

 **لذا تضادی که از ماهیت ذاتی درونی طالبان در قبال اشغال‌گران امپریالیست و رژِیم دست‌نشانده برمی‌خیزد، در به‌ترین حالت، تضاد میان حالت مستعمراتی کنونی کشور و خواست استقلال‌طلبانۀ نیمه مستعمراتی طالبان است. این‌ چنین خواست استقلال‌طلبانه، یک خواست استقلال‌طلبانۀ ناقص و غیراساسی‌ای است که صرفاً بر مبنای حل نسبی و ناقص تضاد عمدۀ مرحلۀ کنونی شکل می‌گیرد و قادر نیست جامعه را به طرف حل نهایی تضاد اساسی آن سوق دهد.» (برای معلومات بیش‌تر به صفحۀ 2- شمارۀ 21 شعلۀ جاوید ـ دور چهارم مراجعه شود.)**

 **این همان چیزی است که "سازمان رهایی..." و "ساما" از درک آن عاجز اند و به همان نسبت در دام تسلیمی و تسلیم‌طلبی دست و پا می‌زنند.**

 **در صورتی‌که جامعۀ افغانستان مستعمره، نیمه مستعمره- نیمه فیودالی است، لذا دشمنان اصلی آن امپریالیزم، فیودالیزم و بورژوازی کمپرادور بیروکرات اند. همین‌ها اند که دست به دست هم داده افغانستان را تحت فشار قرار داده و مانع رشد و پیش‌رفت آن گردیده و بر خلق افغانستان هرگونه ظلم و ستم را روا می‌دارند. اما بیش‌ترین ستم در شرایط کنونی از جانب امپریالیست‌های اشغال‌گر و رژیم دست‌نشاندۀ شان بر توده‌های ستم‌دیدۀ کشور اعمال می‌گردد. اشغال‌گران امپریالیست نخستین و شریرترین دشمن توده‌های ستم‌دیدۀ افغانستان به شمار می‌روند.**

 **از سال 2001 که افغانستان مورد تجاوز اشغال‌گران امپریالیست به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا قرار گرفت و به اشغال شان در آمد، اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده و تمام کسانی که با اشغال‌گران هم‌داستانی می‌نمایند و علناً تسلیم شده اند و یا این‌که خود را برای تسلیم شدن آماده می‌سازند از جملۀ خاینین ملی و دشمنان اصلی خلق افغانستان و انقلاب افغانستان به شمار می‌روند.**

 **«از زمانی‌که جاپان مسلحانه به چین حمله کرده است، امپریالیزم جاپان و تمام خاینین به ملت و مرتجعینی که با جاپانی‌ها هم‌داستانی می‌کنند و علناً تسلیم شده اند و یا خود را برای تسلیم شدن حاضر می‌کنند، دشمنان اصلی انقلاب چین هستند.» (مائوتسه‌دون ـ منتخب آثار- جلد دوم- صفحۀ 465 ـ 466)**

 **حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در طول حیات سیاسی اش روی این اصل مائوئیستی پافشاری نموده و مبارزاتش را نه تنها علیه اشغال‌گران و رژِیم دست‌نشانده و هم‌چنین اشغال‌گران داعشی به عنوان دشمنان عمدۀ کشور و مردمان کشور و در تابعیت از این تضاد، مبارزه علیه طالبان را به عنوان دشمن غیرعمده پیش برده است، بل‌که علیه تسلیم‌شدگان به اشغال‌گران و رژیم پوشالی این مبارزات را به نحو احسن پیش برده است. باید با جرأت گفت که مبارزات حزب ما علیه تسلیم‌شدگان در صفوف تسلیمی‌ها تزلزل ایجاد نمود و سبب انشعاب در "سازمان رهایی افغانستان" و "ساما" گردید. اگر این مبارزات وجود نمی‌داشت، تسلیم‌شدگان همان‌طوری که تن به تسلیمی داده بودند به پیش حرکت می‌کردند. اما زمانی‌که در صفوف این سازمان‌ها انشعاب به وجود آمد، منأسفانه بخش‌های منشعب شده از این دو سازمان نتوانستند به طور درست و دقیق تفاوت میان تضاد عمده و تضاد اساسی را ببینند و هر دو تضاد را در انطباق باهم قرار دادند و بدین اساس نتوانستند خود را از دام تسلیم‌طلبی به طور بنیادی و اساسی برهانند و به شکلی از اشکال در دام تسلیم‌طلبی گیر باقی ماندند.**

 **حینی‌که انشعاب در صفوف هر یک از این سازمان‌ها ایجاد گردید، حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان با آن‌که ایـن حـرکـت شـان را گامی به جلو خواند، اما این نکته را خاطر نشان ساخت و به بخش‌های منشعب شده هوش‌دار داد که عدم تفکیک تضاد عمده از تضاد اساسی نوعی از تسلیم‌طلبی است. از همان زمان حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان علیه این تسلیم‌طلبی مبارزاتش را ادامه داد و تا کنون این مبارزات ادامه دارد. بدون مبارزه با تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبانِ به اصطلاح چپ نمی‌توان علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده و اشغال‌گران داعشی مبارزه نمود. حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان مبارزاتش را علیه تسلیم‌طلبی به عنوان جزء لاینفک مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست به پیش برده و می‌برد.**

 **حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان معتقد است که در شرایط کنونی نه تنها بایدعلیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پوشالی، اشغال‌گران داعشی و تسلیم‌شدگان مبارزه کرد، بل‌که معتقد است که هم‌زمان با این مبارزه باید علیه تسلیم‌طلبان نیز مبارزه نمود. زیرا آن‌ها راه را برای تسلیم‌شدن و انقیاد کشور و مردمان کشورهم‌وار می‌سازند.**

 **«حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از لحاظ فلسفی باورمند است که: تضاد اساسی دو تبارز بزرگ دارد، که در هر مرحلۀ مشخص تاریخی یکی از این دو تبارز عمده می‌گردد و دیگری حالت تبعی یا درجه دوم را به خود می‌گیرد.**

 **در شرایط کنونی که کشور اشغال گردیده تضاد اساسی جامعۀ افغانستان، به عنوان یک جامعۀ واحد مستعمراتی، نیمه مستعمراتی- نیمه فیودالی تضاد ملی و طبقاتی ملیت‌ها و مردمان کشور با امپریالیزم و فیودالیزم و سرمایه‌داری دلال است. ولی در این مرحله تضاد ملی میان ملیت‌ها و مردمان کشور با اشغال‌گران امپریالیست و خاینین ملی عمده است و تضاد طبقاتی حالت تبعی را اختیار نموده است. به همین سبب است که باید مبارزۀ طبقاتی در تابعیت از مبارزۀ ملی به پیش برده شود.**

 **حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان با تفکیک تضاد عمده از تضاد اساسی به درستی مبارزه علیه طالبان را در تابعیت از مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پوشالی تا کنون پیش برده و این مبارزه را به طور قطعی تا آخر پیش خواهد برد.**

 **به چشم سر مشاهده می‌کنیم که مصائب کشور ما روز به روز سنگین‌تر می‌شود، در چنین شرایطی باید خطیرترین مسئولیت‌ها را بر عهده گرفت، یعنی مسئولیت مبارزه به خاطر بقاء توده‌های زحمت‌کش افغانستان. برای این‌کار ضروریست به طور جدی علیه اشغال‌گران امپریالیست، رژیم پوشالی، اشغال‌گران داعشی‌، تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان مبارزه نمود و در تابعیت از این مبارزه علیه طالبان مبارزات را به عنوان یک نیروی ارتجاعی و وابسته به امپریالیزم به پیش برد و هر آن و لحظه طبق شرایط عینی کشور به افشاء زدوبندهای شان با اشغال‌گران امپریالیست پرداخت. یعنی طبق حکم ماتریالیزم دیالکتیک اندیشه باید واقعیت عینی را منعکس سازد و تلاش نماید تا آن‌را به عنوان یک حقیقت در پراتیک عینی آزمایش نماید. این یگانه راهی است که می‌توان تدارک برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی را سرعت بخشید و بیرق جنگ مقاومت ملی مردمی انقلابی را بر کوه پایه‌های افغانستان به اهتزاز در آورد.**

 **مشکل جدی‌ای که امروز فرا راه زحمت‌کشان و توده‌های مردم قرار دارد، آنست که مرز میان انقلاب و ضد انقلاب برای شان مغشوش است. تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان نیز کوشش می‌کنند تا این مرز را مغشوش‌تر نمایند. هنگامی که وابستگان "سازمان رهایی ..." و "ساما" کمپاین‌های انتخاباتی راه می‌اندازند، خود را کاندید می‌کنند و در خوان پرخون اشغال‌گران و رژیم پوشالی شریک می‌شوند، برای مغشوش ساختن اذهان عامه این اعمال خاینانه را "تاکتیک انقلابی" جا می‌زنند و حاضر نیستند که گذشتۀ انحرافی و تسلیم‌طلبانه خود را به طور اساسی مورد نقد و بررسی قرار دهند.**

 **"ساما" نه تنها حاضر نیست که گذشته‌اش را مورد انتقاد قرار دهد، بل‌که سعی می‌نماید که تسلیمی و تسلیم‌طلبی‌های خویش را رنگ روغن داده و تبرئه نماید. "سازمان رهایی..." که نسبت به "ساما" گامی به جلو گذاشته یعنی حاضر شده تا از گذشته اش به اصطلاح انتقاد نماید، نه تنها نتوانسته انتقاد اصولی از انحرافات و ارتداد گذشته اش بنماید، بل‌که تمامی انحرافات، ارتدادها و خیانت‌های ملی خود را تحت عنوان غیراصولی و نادرست "اشتباهات" مورد بررسی قرار داده است. یکی از علل عدم گسست اصولی از انحرافات و اشتباهات گذشته در عدم موضع‌گیری اصولی و قاطع انقلابی این سازمان‌ها و بی‌برنامه‌گی هر دو سازمان است. تا زمانی‌که کم‌بودات، اشتباهات، انحرافات و ارتداد به صورت اصولی و قاطع نشانی نگردد، گسست از آن‌ها غیرممکن است. برای مشخص نمودن مرزهای انقلاب و ضد انقلاب مبارزۀ جدی و پی‌گیر علیه انحرافات، اشتباهات و ارتداد گذشته حتمی و الزامی است.**

 **مسایل فوق‌الذکر سبب گردیده که بخش‌های معینی از توده‌های مردم و حتی بسیاری از منسوبین سابق جریان دموکراتیک نوین نتوانسته اند میان انقلاب و ضد انقلاب خط و مرز جدی بکشند. به همین علت است که بسیاری امروز نمی‌دانند که خاین ملی کیست؟**

 **بسیاری فکر می‌کنند که شرکت در کمپاین‌های انتخاباتی خیانت ملی نیست! و یا این‌که احزاب و سازمان‌های راجستر شده در وزارت عدلیۀ رژیم دست‌نشانده جزء خاینین ملی نیستند! این موضوع را باید به طور رک و صریح بیان نمود که: اشغال‌گران امپریالیست، رژیم دست‌نشانده و تمامی کسانی‌که در صف شان ایستاده اند جزء خاینین ملی اند، زیرا این‌ها با راه انداختن کمپاین‌های انتخاباتی، انتخاب کردن و انتخاب شدن می‌خواهند تا اشغال کشور و رژیم دست‌نشانده شان‌را مشروع وانمود سازند. این احزاب و سازمان‌ها با این حرکت و عمل‌کرد شان به بخشی از رژیم پوشالی تبدیل گردیده اند. باید با چنین عناصری به عنوان دشمنان اصلی انقلاب افغانستان مبارزه نمود. مائوتسه‌دون در بارۀ مبارزه علیه تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان چنین می‌گوید:**

 **«ما فقط با دشمن، تسلیم‌طلبان و ضد کمونیست‌های سرسخت مبارزه می‌کنیم و با دیگران، با همه آن‌ها، واقعاً خواهان اتحادیم...البته ما نمی‌توانیم تسلیم‌طلبان و ضد کمونیست‌های سرسخت را تحمل کنیم، آن‌ها را تحمل کردن به این معنا است که به آن‌ها امکان بدهیم آن‌ها در جنگ مقاومت و در اتحاد اخلال کنند. از این جهت باید با گروه تسلیم‌طلبان مصممانه مبارزه کرد و هم‌چنین باید هر گونه تعرض عناصر ضدکمونیست را با توجه به اصل دفاع از خود مصممانه دفع نمود. اگر این‌طور عمل نکنیم، مرتکب اپورتونیزم راست شده ایم که به امر اتحاد و جنگ مقاومت زیان می‌رساند. معذالک در مورد کلیه کسانی که تسلیم‌طلب و ضدکمونیست سرسخت نیستند باید سیاست اتحاد را به کار برد. در میان این‌ها اشخاصی هستند که دو دل اند، اشخاصی هستند که تحت اجبار عمل می‌کنند، اشخاصی هستند که مؤقتاً گم‌راه شده اند. همۀ این اشخاص را باید به منظور وحدت و جنگ مقاومت به جانب خویش جلب کنیم. اگر این طور عمل نکنیم، مرتکب اپورتونیزم "چپ" شده ایم و آن نیز به امر وحدت و جنگ مقاومت زیان می‌رساند.» (مائوئسه‌دون ـ منتخب آثار ـ جلد دوم ـ صفحۀ 659 ـ 660)**

 **حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به درستی توانسته که مبارزات خویش را در هر دو جهت به طور درست و اساسی پیش برد. حزب هم مبارزتش را علیه اشغال‌گران، تسلیم‌شدگان به اشغال‌گران و تسلیم‌طلبان پیش برده و هم در تابعیت از این مبارزه، مبارزاتش را علیه طالبان به پیش سوق داده است. برعلاوه حزب مبارزه در راه اتحاد با تمام نیروهاای که علیه اشغال ایستاده اند را نیز به پیش هدایت کرده است. ارگان نشراتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به خوبی بیان‌گر این مدعا است.**

 **حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان با تفیک تضادها و تعیین تضاد عمده، نیاز عاجل مبارزاتی را از همان زمان ایجادش تا کنون درک نموده و به همین مناسبت این نیاز عاجل را در شماره‌های مختلف شعلۀ جاوید مطرح نموده و خواستار وحدت با تمام نیروهای مائوئیست و اتحاد با تمام منفردین منسوب به جریان دموکراتیک نوین که با اشغال مخالف اند گردیده است و این مبارزاتش را تا کنون به نحو احسن پیش برده و پیش می‌برد. اما متأسفانه بعضی‌ها روی سکتاریزم سخت‌جان خویش پافشاری دارند و این سکتاریزم باعث گردیده تا نیاز عاجل مبارزاتی را درک نکنند.**

 **حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به درستی می‌داند کسانی‌که در صف اشغال ایستاده اند علناً و عملاً در جهت انقیاد کشور و مردمان کشور کار می‌کنند. اما تسلیم‌طلبان که ظاهراً زمزمه‌های ضد اشغال سرمی‌دهند، با اختلاط تضادها راه را برای به انقیاد در آوردن کشور و مردمان کشور هم‌وار می‌سازند. بدین علت مبارزه علیه تسلیم‌طلبی الزامی است. مائوتسه‌دون تسلیم‌طلبان و سرسختان ضد کمونیست را در کنار هم قرار داده و حتی نام تسلیم‌طلبان را جلوتر از سرسختان ضد کمونیست آورده است. مائوتسه‌دون در جریان جنگ مقاومت ضد جاپان پیش‌نهاد دولت ائتلافی علیه اشغال‌گران جاپانی را داد و به صراحت اعلان نمود که اعضای حزب کمونیست چین باید یک سوم ارگان‌های دولت را اشغال کنند و دو سوم دیگر را به دیگر احزاب و بی‌حزب‌ها واگذار کنند و گفت که برای تسلیم‌طلبان و سرسختان ضدکمونیست در این دولت جایی نیست. به این گفتۀ مائوتسه دون توجه نمایید:**

**«کمونیست‌ها در ارگان‌های دولتی و ارگان‌های نمایندگان خلق باید فقط یک سوم جاها را اشغال کنند تا آن‌که دو سوم دیگر به نمایندگان سایر احزاب و گروه‌ها و به بی‌حزب‌هاای که هوادار جنگ مقاومت بر ضد جاپان و هوادار دموکراسی اند برسد. هر فردی، هر که باشد، همین‌قدر که تسلیم‌طلب و ضدکمونیست نباشد، می‌تواند در ارگان‌های دولتی شرکت جویند. هر حزب و هر گروهی، همین‌قدر که تسلیم‌طلب و ضدکمونیست نباشد، تحت قدرت سیاسی ضد جاپانی باید حق موجودیت و فعالیت داشته باشد.» (مائوتسه‌دون ـ منتخب آثار ـ جلد دوم ـ صفحۀ661 ـ 662)**

 **حینی‌که بخش "ادامه دهندگان ساما" به دو بخش تقسیم گردید و یک بخش آن که با نوشته‌های "عقاب" مخالفت نشان می‌داد و تضاد عمده را لفظاً پذیرفته بود، یکی از رفقای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با یک تن از ایشان که فرد فعال و ظاهراً تنظیم کنندۀ ولایتش به شمار می‌رفت تماس گرفت و بعد از چند جلسه برایش پیش‌نهاد نشست رو در رو را نمود و برایش توضیح داد که وقتی روی تضاد عمده توافق داریم ما می‌توانیم در نشست‌های رودررو با این توافق کار مشترک را شروع کنیم و مبارزات مان را درونی پیش بریم. گرچه او این مطلب را پذیرفت، اما گفت که فعلاً روحیۀ رفقا آماده نیست، کوشش می‌کنم تا روحیۀ رفقا را برای این نشست آماده سازم. چندین ماه گذشت و هر زمان که رفیق مسئلۀ نشست را مطرح می نمود او می‌گفت که تلاش دارد تا روحیه را آماده سازد.**

 **اما همین که اسناد تاریخی بخش غرجستان، هستۀ انقلابی و سازمان کمونیست‌ها از طرف حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان باز تکثیر گردید، فرد طرف "ساما" به رفیق ما گفت که بازتکثیر این اسناد خوب نشد. رفیق از وی ‌پرسید که چرا؟ او گفت که بعضی رفقا حساسیت نشان دادند و می‌گویند که بعضی از مسایل مطرح شده صحیح نیست. رفیق ما برایش می‌گوید: اولاً این اسناد انعکاس دهندۀ مبارزات درونی و انشعاب در "ساما" است و نوشتۀ حزب نیست. مبارزات مذکور از سال 1360 شروع شده و در سال 1364 در ابتدا منجر به انشعاب بخش غرجستان "ساما" از بخش‌های تحت رهبری "قیوم رهبر" و سپس منجر به انشعاب از کلیت "ساما" گردیده و از آن به بعد نیز ادامه یافته است. ثانیاً این اسناد در وقتش تکثیر و پخش گردیده و نزد تمام کادرهای بلند پایۀ "ساما" وجود دارد. مشکل اینست که "ساما" از آن زمان تا حال این اسناد را به اعضایش نداده که این خود یک انحراف است. ثالثاً هرجایی که این اسناد مورد قبول نیست می‌توانید در موردش صحبت کنید و به این طریق یک مبارزۀ خطی راه می‌افتد. "ساما" درین مورد نیز تا حال سکوت کرده و چیزی نگفته است.**

 **طرف "ساما" به رفیق ما می‌گوید که رفقای ما نمی‌خواهند این موضوع را علناً پیش برند. رفیق می‌گوید خوب است ما حاضریم که باهم بنشینیم و این مبارزات را درونی پیش بریم.**

 **پس از آن ما کوشش کردیم که مبارزات علنی علیه "ساما" را به پیش نبریم و از طریق طرف "ساما" تلاش نمودیم تا جلسات رودررو داشته باشیم و این مبارزات را درونی پیش ببریم.**

 **از این قضیه دوسال گذشت. در ظرف این دوسال نه تنها آن‌ها حاضر به نشست نگردیدند، بل‌که بیش‌تر از پیش پروبال یافته و به تبلیغات تسلیم‌طلبانه پرداختند. ما هم ناگزیر شدیم تا مبارزات مان را علیه تسلیم‌طلبی "ساما" به طور علنی و جدی به پیش بریم و نگذاریم که بیش‌تر از این ذهنیت‌ها را مغشوش نمایند.**

 **حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مبارزاتش را علیه تسلیمی‌ها و تسلیم‌طلبان به عنوان بخش جدایی ناپذیری از مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌شانده پیش می‌برد، تا ماهیت تسلیم‌طلبانۀ آن‌ها بیش‌تر از پیش روشن گردیده و هر چه بیش‌تر مشخص گردد که آن‌ها نه تنها به مارکسیزم ـ لنینیزم ـ مائوئیزم (اندیشه مائوتسه دون) اعتقادی ندارند، بل‌که تسلیم‌طلبانی اند که برای کوبیدن مارکسیزم ـ لنینیزم ـ مائوئیزم به مارکس، لنین و مائو متکی می‌شوند. آن‌ها با هزار حیله و نیرنگ تسلیمی و تسلیم‌طلبی شان‌را زیر نام تاکتیک و انقلاب جا می‌زننـد و تـلاش دارنـد کـه افـراد بـیـش‌تـری را کـه بـه**

**جهان‌بینی علمی آگاهی ندارند از راه منحرف نموده و به دامن تسلیم‌طلبی بیندازند.**

 **حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان در شرایط اشغال کشور خطر تسلیمی و تسلیم‌طلبی‌های "سازمان رهایی..." و "ساما " را به خوبی درک می‌نماید و بر مبنای ضرورت تاریخی کشور مبارزاتش را علیه این تسلیمی و تسلیم‌طلبی ادامه داده و می‌دهد. هرگاه این مبارزات فروکش نماید خطر تسلیم‌طلبی بیش از پیش خود را نمایان می‌سازد. نتایج به تعویق افتادن مبارزه علیه تسلیم‌طلبی "ساما" گویای این حقیقت است. مائوتسه‌دون و رفقای حزب کمونیست چین در طول دوران جنگ مقاومت علیه جاپان غافل از تسلیم‌طلبی نبوده و در جریان جنگ مقاومت تسلیم‌طلبی را به عنوان خطر عمده نشانی نموده و همیشه علیه آن به مبارزه برخاسته اند.**

 **«کمیتۀ مرکزی حزب کمونیست چین در مانیفیست خود به تاریخ 7 جولای 1939 چنین اشعار می‌داشت:**

 **«در لحظۀ کنونی خطر عمده عبارت است از تسلیم‌طلبی و مبارزه با حزب کمونیست تدارک این تسلیم‌طلبی است.»**

 **در مانیفیست 7 جولای 1940 چنین گفته می‌شد:**

 **«هرگز خطر تسلیم‌طلبی به این اندازه جدی نبوده است و امروز دشواری‌هاای که در جنگ مقاومت پیش آمده بزرگ‌تر از همیشه است.»**

 **جوده، پون ده هوای، یه تین و سیان بین در تلگراف خود به تاریخ 9 نوامبر 1940(2) به طور مشخص‌تر سخن گفتند:**

 **«در کشور ما کسانی هستند که حملۀ ضد کمونیستی تازه ای را بر می‌انگیزند تا راه را برای تسلیم‌شدن به دشمن هم‌وار گردانند...می خواهند، به اصطلاح خود شان، از طریق هم‌کاری چین و جاپان در کارزار و سرکوب کمونیست‌ها، به جنگ مقاومت ضد جاپان پایان دهند. به جای جنگ مقاومت خواهان جنگ داخلی اند، به جای استقلال خواهان تسلیم به دشمن اند، به جای اتحاد خواهان انشعاب اند، به جای نور خواهان ظلمت اند، اعمال آن‌ها غدارانه است، نقشه های آن‌ها هلاکت‌بار است. خبر آن‌ها همه جا رسیده و دل‌ها را به اضطراب انداخته اند. هرگز در کشور ما وضعیت خطرناکی مانند امروز برقرار نبوده است.» از این جهت حادثۀ آن‌هوی جنوبی و فرمان کمیتۀ نظامی چون‌چینگ به تاریخ 17 جنوری پیش درآمد یک سلسله حوادث است. به خصوص فرمان 17 جولای دارای معنای سیاسی بسیار مهمی است.» (مائوتسه‌دون ـ منتخب آثار ـ جلد دوم ـ صفحۀ 683 ـ 684) برای دانستن شمارۀ 2 در متن نقل‌قول مائوتسه‌دون به یادداشت‌های منتخب آثار- جلد دوم- صفحۀ 689 مراجعه نمایید.**

 **هرگاه به تاریخ افغانستان نظری بیفکنیم به خوبی دیده می‌شود که در زمان مبارزه علیه رژیم کودتای هفت ثور و جنگ مقاومت علیه سوسیال‌امپریالیزم شوروی، افغانستان در چنین وضعیت خطرناکی قرار نداشت. در آن زمان تمام نیروهای "چپ شعله‌یی" علیه کودتای هفت ثور 1357 و اشغال کشور موضع گرفته و در مبارزه و مقاومت شرکت نمودند و علی‌رغم خط‌های مبارزاتی غیر اصولی شان به طور خیلی عمده در تسلیمی و تسلیم‌طلبی در قبال رژیم کودتا و اشغال‌گران سوسیال امپریالیست قرار نداشتند.**

 **اما بعد از اشغال کشور توسط امپریالیست‌های اشغال‌گر کنونی به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا، افغانستان در وضعیت خطرناکی گرفت، زیرا دو سازمان نسبتاً بزرگی که در مبارزه و مقاومت علیه رژیم کودتای هفت ثور و اشغال‌گران سوسیال امپریالیست سهم گرفته بودند، با اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست نشاندۀ شان به رهبری امپریالیزم امریکا هم‌نوا حرکت کردند. آن‌ها نه تنها در جرگۀ خاینین ملی در بن شرکت نمودند، بل‌که در خوان پرخون یغمای اشغال‌گران و رژیم دست‌نشانده شریک گردیده و به بخشی از رژیم دست‌نشانده تبدیل گردیدند و به تبلیغ و ترویج تسلیم‌طلبانه و انقیاد‌طلبانه پرداختند.**

 **زمانی‌که اولین شمارۀ شعلۀ جاوید (ارگان مرکزی حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان) نشر گردید، تسلیمی‌ها و تسلیم‌طلبان سامایی علناً به مخالفت علیه آن برخاستند و به تبلیغات زهرآگین علیه حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان پرداختند. آن‌ها تا آن‌جا پیش رفتند که علناً اظهار نمودند که ما یک تن از اعضای حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان را به دولت معرفی می‌کنیم و خانه اش را به دولت نشان می‌دهیم. فقط بعد از برخورد جدی رفقای حزب در منطقه، تسلیم‌شدگان و تسلیم‌طلبان سامایی ازین بابت دست به عقب‌نشینی زدند، اما تبلیغات زهرآگین شان علیه حزب کمونیست(مائوئیست) افغانستان ادامه یافت. حزب علیه این تبلیغات زهرآگین ایستاد و مبارزه علیه تسلیمی و تسلیم‌طلبی را پیش برد. این مبارزه بعد از ده سال نتیجه داد و در صف تسلیم‌شدگان تزلزل ایجاد گردید و هر دو سازمان (رهایی و ساما) دست‌خوش انشعاب گردیدند.**

 **اما با تأسف بخش‌های منشعب شدۀ هر دو سازمان نتوانستند به طور قطعی و انقلابی با گذشتۀ شان تسویۀ حساب نموده و آن‌ را به طور اساسی نقد نمایند و با منطبق دانستن تضاد اساسی و تضاد عمده به شکلی از اشکال در دام تسلیم‌طلبی گیر باقی ماندند و این تسلیم‌طلبی شان تا کنون ادامه یافته است.**

 **تسلیمی‌ها و تسلیم‌طلبان هم‌واره با راه انداختن کمپاین‌های انتخاباتی و خلط نمودن تضادها و تبلیغات زهرآگین تلاش نموده و می‌نمایند تا اشغال کشور را مشروع وانمود کنند و راه را برای انقیاد کشور هم‌وار نمایند. این‌ها به جای شعار تدارک برای برپایی و پیش‌برد جنگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی شعار پارلمانتاریزم را مطرح می‌کنند و یا به عبارت دیگر به جای جنگ مقاومت علیه اشغال‌گران و رژیم پوشالی خواهان سازش با اشغال‌گران و رژیم پوشالی اند. به جای مبارزه برای اتحاد علیه اشغال کشور خواهان سکتاریزم و انشعاب اند و به جای استقلال خواهان تسلیم‌شدن و انقیاد کشور اند و ما حق داریم که این گفتۀ رفقای حزب کمونیست چین را در مورد شان به کار بریم:**

 **«اعمال آن‌ها غدارانه است، نقشه‌های آن‌ها هلاکت‌بار است. خبر آن‌ها همه جا رسیده... هرگز در کشور ما وضعیت خطرناکی مانند امروز برقرار نبوده است.»**

 **"سازمان رهایی..." و "ساما" در طول 18 سال کوشش نمودند تا منسوبین شان را از مسیر انقلابی منحرف نموده و روحیۀ انقیاد‌پذیری را به آن‌ها دیکته نمایند. به همین علت است که آن‌ها نمی‌خواهند تفاوت میان تضاد عمده و غیرعمده و هم چنین تضاد اساسی و تضاد عمده را ببینند. همین مسأله باعث شده که با روحیۀ تسلیم‌طلبانه هم‌نوا با اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده حرکت نموده و خواهان خلع سلاح همه‌گانی و ایجاد امنیت سرتاسری در افغانستان زیر چتر اشغال‌گران گردند. یا به عبارت دیگر آن‌ها خواهان به انقیاد در آوردن کامل توده‌های زحمت‌کش افغانستان بوده و می‌خواهند که توده‌ها را به بردگان بی‌همه‌چیز تبدیل کنند. بناءً مبارزه علیه آن‌ها جزء لاینفک مبارزه علیه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم دست‌نشانده است، مبارزه‌ای به هیچ‌عنوان نباید به فراموشی سپرده شود.**

 **این سازمان‌های تسلیم‌طلب را زمانی می‌توان جزء منسوبین جنبش انقلابی کشور به حساب آورد که بر تسلیم‌طلبی‌های شان خط بطلان بگشند و گذشتۀ شان ‌را به طور علمی تجزیه و تحلیل نموده و مورد انتقاد قرار دهند.**

 **حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان امیدوار است تا از طریق مبارزات ایدیولوژیک فعال آخرین میخ را بر تابوت تسلیم‌طلبی بکوبد و عناصری‌ را که واقعاً قلب شان برای آزادی و استقلال کشور می‌تپد از طریق این مبارزات در مسیر اصولی و انقلابی ره‌نمایی نموده و نجات شان دهد.**

**22 میزان 1398 خورشیدی**

**از نـشـرات حـزب کـمـونـیـسـت (مـائـوئـیـسـت) افـغـانـسـتـان**